

مقام آدم ابوالبشر علیه السلام

محمود شریفی

چکیده

نخستین انسان روی زمین و اولین پیامبر خدا، حضرت آدم علیه السلام بود که خداوند او را از خاک آفرید، روح خود را در او دمید و وی را «خلیفه الله» و «صفوة الله» نامید. حضرت آدم علیه السلام پس از رانده شدن از بهشت با فریب از شیطان، حدود هزار سال زندگی کرد. آرامگاه او اکنون در نجف اشرف در کنار مزار نوح علیه السلام و امیر مؤمنان علیه السلام است.

آدم علیه السلام جانشین خدا بر روی زمین که در ادیان یهود، مسیح و اسلام، داستان‌های مشابهی برای او ذکر شده است. قرآن ۲۵ بار نام این پیامبر الهی را آورده که در شش سوره به تفصیل به او پرداخته است. در تفاسیر و روایات امامان معصوم نیز به آدم علیه السلام اشاره شده است.

این نوشتار ضمن بیان فلسفه آفرینش آدم ابوالبشر علیه السلام و همسرش «حوا» و جایگاه او نزد خدا و فرشتگان، به آیات و روایاتی پرداخته که در آنها به موضوعاتی چون درس‌ها و عبرت‌های داستان آدم علیه السلام و نیز مقام این پیامبر خدا در قرآن، دیگر کتاب‌های آسمانی و روایات اهل بیت اشاره شده است.

واژگان کلیدی: حضرت آدم علیه السلام، حوا، خلیفه الله، صفوة الله، بهشت.

حضرت آدم علیه السلام انسانی است که خداوند متعال با قدرت لایزال خود از خاک آفرید و سپس از روح خود در او دمید و او را آدم نام نهاد. خلقت او در روز جمعه بوده است و لقبش «خلیفه الله» و «صفوة الله» است و «ابوالبشر» هم کنیه او است.

خداوند پس از او حضرت حوا همسرش را آفرید و به آنان اجازه داد تا در بهشت زندگی کنند و از تمام نعمت‌های آن بهره ببرند؛ به جز میوه‌ای خاص که آدم و حوا را از خوردن آن نهی کرد و فرمود: اگر به درخت نزدیک شوید، از بهشت رانده خواهید شد. ولی با وسوسه‌های شیطان، به درخت نزدیک شده و از میوه آن خوردند و خداوند آنها را از بهشت بیرون راند و به زمین فرستاد. آدم و حوا از عمل خود سخت پشیمان شدند و سال‌ها به درگاه خداوند گریه و تضرع نمودند و طلب بخشش کردند، تا این که خداوند مهربان از خطای آنان گذشت.

در این که ایشان چه مدت در بهشت بودند، اختلاف است. بعضی آن مدت را شش روز، بعضی پنج ساعت، و بعضی آن را نصف روز دانسته‌اند. از ابن عباس نقل شده که نصف روز از روزهای قیامت در بهشت بودند.

حضرت آدم علیه السلام پس از عمری طولانی - ۹۳۰ یا هزار سال - دارفانی را وداع کرد و هبة الله و جبرئیل او را غسل داده و کفن کردند و فرزندش هبة الله و فرشتگان بر او نماز خواندند. سپس با راهنمایی جبرئیل قبری کنده و او را در غار یا کوه «ابوقییس»^۱ رو به خانه کعبه دفن کردند. خداوند متعال به حضرت نوح علیه السلام هنگامی که در زمان طوفان در کشتی بود،

وحی کرد که جسد مطهر او را به کوفه ببرد و حضرت نوح جسد حضرت آدم را در تابوتی گذاشت و پس از طواف خانه خدا او را به کوفه آورد و در نجف، در محل فعلی قبر مطهر حضرت امیر مؤمنان علیه السلام دفن کرد.

حضرت آدم در هنگام وفات فرزندان بسیاری داشت و مورخان تا چهل فرزند برای او نقل کرده‌اند. همسر او حوا نیز یک سال بعد، پس از پانزده روز بیماری از دنیا رفت و در محل کنونی شهر جدّه دفن گردید.^۲

زیارتگاه آدم ابوالبشر

یکی از قبوری که زائران عتبات عالیات در شهر مقدس نجف زیارت می‌کنند، قبر مطهر آدم ابوالبشر است؛ زیرا قبر مطهر آن بزرگوار در کنار قبر امیر مؤمنان و نوح پیامبر واقع شده است. در زیارت امیر مؤمنان هم می‌گوییم: سلام بر تو و بر همسایگان تو حضرت آدم و نوح علیهما السلام و رحمت خدا بر شما باد.^۳

مرحوم محدث قمی می‌گوید:

برای زیارت حضرت آدم و نوح علیهما السلام به جانب سر (حضرت علی علیه السلام) برو و در زیارت آدم بگو: سلام بر تو ای برگزیده خدا؛ سلام بر تو ای حبیب خدا؛ سلام بر تو ای پیامبر خدا؛ سلام بر تو ای امین خدا و خلیفه خدا در روی زمین؛ پدر بشر و سلام بر روح و جسم مطهر تو و بر پاکان از فرزندان و ذریه‌ات.^۴

خلقت حضرت آدم و مقام او

لطف خداوند اقتضا کرد که در روی زمین موجودی به نام آدم به وجود آورد که جانشین و نماینده او در زمین باشد و مقامش و شخصیت بی‌نظیر او برتر از فرشتگان گردد؛ لذا پس از خلقت جسم ظاهری او، از روح خودش در او دمید و اراده بر او این بود که تمام زمین و نعمت‌ها و امکاناتش در اختیار چنین انسانی والا قرار گیرد، تا او از همه نیروها، گنج‌ها، معادن و همه امکانات به وجود آمده در زمین استفاده کرده و نسل خود را در روی زمین گسترش دهد و از نسل او انسان‌های والا و خودساخته و اولیای الهی تربیت شوند. چنین موجودی می‌بایست دارای عقل و شعور و ادراک و استعداد ویژه‌ای باشد تا بتواند حق جانشینی و خلافة اللّهی را به خوبی ادا کند و رهبری و هدایت موجودات دیگر را بر

عهده گیرد و آنان را به سرمنزل سعادت برساند. لذا می‌بینیم پس از آن که خداوند فرمود: من در روی زمین جانشین قرار می‌دهم، فرشتگان که مقام آدم را نمی‌شناختند، با شگفتی سؤال کردند علت این کار چیست؟ خداوند در پاسخ آنان فرمود: من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید و پس از آن که علم و مقام او را شناختند، اعتراف کردند که آدم صلاحیت جانشینی خدا را دارد؛ از این رو به امر خداوند، همه به سجده افتادند و در مقابل او خضوع و خشوع نمودند.

آدم علیه السلام در ادیان الهی

در دائرة المعارف بزرگ اسلامی چنین آمده است:

آدم یا آدم ابوالبشر، نخستین انسان و پدر همه مردمان؛ درباره آفرینش و زندگانی او در ادیان سه گانه یهود و مسیحیت و اسلام روایات و داستان‌های همسان و همانند آمده است و این همسانی و همانندی از آن روست که مبدأ وحی در این سه دین، یکی است ... موضوع آدم و آفرینش وی، در دین اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار است. آدم از دیدگاه اسلام نخستین پیامبر است و چون مسلمانان بخواهند آغاز و پایان نبوت را نشان دهند، عبارت «از آدم تا خاتم» را به کار می‌برند. آنچه درباره آدم در کتب تفسیر، حدیث تاریخ و ادب آمده است، همه مبتنی بر آیات قرآن است. در قرآن کریم ۲۵ بار نام آدم آمده است، ولی تفصیل آفرینش او در شش سوره بیان شده است. این آیات فشرده و پرمعناست و مفسران و صاحب‌نظران در تبیین و تفسیر آنها احتمالات بسیار داده‌اند.^۵

آدم علیه السلام در قرآن

۱. آیات ۳۰ تا ۳۹ سوره بقره در مورد خلافت انسان است که خداوند متعال به فرشتگان فرمود: من در روی زمین برای خود جانشینی قرار دادم که فرشتگان پس از آگاهی از این خبر پرسیدند: آیا کسی را جانشین قرار می‌دهی که در روی زمین فساد و خون‌ریزی کند؟! تمام اسم‌ها را به او آموخت؛ بعد آن اسم‌ها را بر فرشتگان عرضه کرد، ولی آنان به ناتوانی خود اعتراف کردند. وقتی که آدم از آن اسم‌ها و حقایق و خواصّ اشیاء به آنان خبر داد، خداوند فرمود: آیا نگفتم که من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید؟!

در آیات بعد آمده است که در آن هنگام که ملائکه به ناتوانی خود اعتراف کردند و مقام و موقعیت آدم را شناختند، خداوند به آنان دستور داد تا همه در مقابل عظمت او به سجده بیافتند. همه فرشتگان سجده کردند، به جز ابلیس که امتناع کرد و کبر ورزید و جزء کافران گردید. در ادامه آیات چنین آمده است: به آدم گفتیم که تو و همسرت در بهشت ساکن شوید و از آنچه در آن هست و هر چه خواستید از آن بخورید، ولی به این یک درخت خاص نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید شد؛ ولی شیطان آن دو را وسوسه کرد و باعث شد که آنان از بهشت خارج شوند؛ پس خداوند به آنان فرمود: فرو افتید که بعضی از شما دشمن بعضی دیگر خواهید بود و قرارگاه شما تا روز قیامت در زمین خواهد بود.

هنگامی که آدم و حوا به کوتاهی و تقصیر خود پی بردند و دریافتند که در اثر پیروی از شیطان، از بهشت بیرون رانده شدند، از کار خود سخت پشیمان شدند و تصمیم به توبه گرفتند؛ خداوند هم توبه آنان را پذیرفت و کلماتی را از خداوند دریافت کردند و با آن سخنان به پیشگاه الهی توبه نمودند و خداوند هم که توبه پذیر و مهربان است، توبه آنان را پذیرفت و سپس به آنان فرمود که همه از بهشت فرو افتید؛ پس اگر از جانب من راهنمایی برای تان آمد، در این صورت هر کس از راهنمایی من پیروی کند، ترسی بر او نخواهد بود و اندوهگین نخواهد شد و کسانی که کافر شوند و آیات ما را تکذیب کنند، آنان اهل جهنم خواهند بود و برای همیشه در آنجا جاودان خواهند ماند.

۲. آیات ۱۱ تا ۲۵ سوره اعراف اشاره به خلقت آدم و دستور سجده بر آدم و سرپیچی شیطان شده است و بهانه شیطان برای سجده نکردن آمده که گفت: من بهتر از آدمم؛ زیرا او را از گل آفریدی و مرا از آتش! سپس تصمیم او بر فریب مردم قرار گرفت که در نهایت خداوند هم فرمود: از تو و از کسانی که از تو پیروی کنند، جهنم را پر خواهم کرد. سپس به دستور خداوند متعال به آدم و حوا اشاره شده که ساکن بهشت شوند و از آن درخت خاص نخورند تا مبادا از ستمکاران شوند و وسوسه شیطان و گفت و گوی او با آنان و اصرار به این که من خیرخواه شما هستم و برهنه شدن آنها بعد از خوردن از آن شجره ممنوعه و اعتراف آنان به این که به خود ظلم کردیم و اگر خدا نبخشد از زیان کاران خواهیم بود، بیان شده است.

در آیات دیگری، بیان هبوط آنها به زمین و دشمنی برخی با برخی دیگر و استقرار در روی زمین و مردن و سپس مبعوث شدن آدم بیان شده است.

۳. در سوره حجر، آیات ۲۸ تا ۴۴ بیان شده است که خلقت انسان از گل خشک و سیاه آغاز شد و بعد اعلام این خلقت به فرشتگان و سپس روح الهی در او دمیده شد و آنان بر او سجده کردند، جز ابلیس و رانده شدن او از درگاه الهی و لعنت خداوند بر او و مهلت او تا قیامت و فریب مردم، به جز بندگان صالح خدا و پاسخ پروردگار به او که تو سلطه‌ای بر بندگان من نداری، مگر کسانی که از تو پیروی کنند که جایگاه آنان در آتش جهنم خواهد بود و جهنم هفت در دارد.

۴. سوره اسراء، آیات ۶۰ تا ۶۵ که این آیات هم دستور سجده و عدم تمکین شیطان و فریفتن انسان و پاسخ خدا را همان‌طور که در سوره حجرات آمده، بیان کرده و فرموده است که خداوند به او فرمود: به هر نحو که می‌توانی از راه اولاد و اموال، آنان را فریب ده، ولی بدان که بر بندگان حقیقی من سلطه‌ای نداری و هر کس از تو پیروی کند، در آتش جهنم خواهد بود.

۵. سوره طه، آیات ۱۱۵ تا ۱۲۶. در این آیات در آغاز، خداوند می‌فرماید که ما پیش از این با آدم پیمان بستیم، ولی فراموش کرد و او را شکیبانیافتیم. سپس به سجده ملائکه و مخالفت شیطان و مسائلی که در آیات قبل اشاره شد پرداخته و هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾؛ و هر کس از یاد من اعراض کند، زندگی‌اش تنگ شود و در روز قیامت نابینا و کور محسورش می‌کنیم. او می‌گوید: چرا مرا کور محسور می‌کنی با این که من بینا بودم؟ خداوند می‌فرماید: تو آیات ما را فراموش کردی و امروز خود فراموش گشته‌ای.

۶. سوره ص، آیات ۷۱ تا ۸۵. در این آیات هم اشاره به همان مطالب بالا شده و در آنها اضافه شده که شیطان قسم خورد تا همه بندگان، جز بندگان صالح را گمراه کند و خداوند فرمود: جهنم را از تو و پیروان تو پر خواهیم کرد.

حضرت آدم علیه السلام در تفاسیر و روایات

گفته شد که حدود ۷۵ آیه درباره حضرت آدم علیه السلام و داستان زندگی او در قرآن آمده است که بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیشتر آیات مربوط به ایشان است. از این رو می‌بینیم در تفاسیر و روایات نیز در ذیل آیات مزبور و تفسیر آنها مطالب بسیاری نقل شده است؛ از جمله: سئوالاتی در رابطه با زندگی حضرت آدم و فرزندانش و سجده فرشتگان و تعداد فرزندان او و کیفیت ازدواج و شریک شدن و خوردن آدم و حوا از درخت ممنوعه و اخراج از بهشت و وسوسه شیطان و... که در این مقاله از ذکر آنها پرهیز می‌کنیم؛ زیرا در کتب مختلف، این مسائل و پاسخ‌های جامع و کامل آنها بیان شده که خوانندگان می‌توانند به کتب تفسیر و حدیثی و غیره مراجعه نمایند.^۷ لذا در این مقاله فقط به مهم‌ترین درس‌ها و عبرت‌هایی که از داستان زندگی آدم می‌توان گرفت، اشاره می‌کنیم:

درس‌ها و عبرت‌ها

قرآن با بیان داستان زندگی آدم، درس‌هایی را به بشر می‌آموزد که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. عاقبت کبر و خودپسندی

انسان با مطالعه جریان حضرت آدم علیه السلام درمی‌یابد که با توجه به آثار خودپسندی در زندگی دنیوی و اخروی، باید از این صفت زشت دوری کند؛ چون در داستان آدم چنین آمده بود که شیطان وقتی از دستور خداوند به سبب خودبزرگ‌بینی سر باز زد، از بهشت رانده شد و خداوند به او فرمود که بیرون برو و بر تو روا نیست با تکبری که داری، در بهشت بمانی؛ زیرا تو از کوچکان و خوارشدگان گردیدی.^۸

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ خَفَضَهُ اللَّهُ»؛^۹ کسی که فروتنی کند، خداوند او را بالا می‌برد و کسی که کبر و خودپسندی پیشه کند، خداوند او را پایین می‌آورد. خداوند در سوره حجر خطاب به شیطان می‌فرماید: «از بهشت خارج شو که تو رانده شده هستی و لعنت من تا روز قیامت بر تو باد».^{۱۰}

به تعبیر یکی از بزرگان،^{۱۱} خداوند با متکبران بسیار تند و شدید برخورد کرده و فرموده

است: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^{۱۲} این خانه آخرت را (بهشت) قرار می‌دهیم برای کسانی که در این جهان خواهان برتری جوئی و خودپسندی و فساد نباشند و سرانجام نیک از آن پرهیزکاران است.

۲. جایگاه انسان

از کیفیت خلقت انسان که خداوند فرمود: پس از خلقتش از گل، از روح خود در او دمید، جایگاه والای انسان به خوبی روشن می‌شود؛ زیرا خداوند به انسان هدیه‌ای عطا فرموده که به هیچ یک از موجودات نداده است و در واقع او دو جنبه و بُعد دارد: یک بُعد روحی و معنوی و الهی، و دیگر بُعد مادی و جسمی و دنیوی که با آن جنبه الهی می‌تواند اوج گیرد و خود را به اعلیٰ علّیین برساند و به مقامی برسد که لیاقت جانشینی خدا را کسب کند و ارزش‌های الهی را در خود به وجود آورد و به صفات والای انسانی یعنی همان عدل و انصاف و صداقت و نیکی و... مزین گردد. به تعبیر امام صادق علیه السلام از فرشتگان هم بالاتر شود و از سوی دیگر ممکن است در اثر بی‌توجهی به آن جنبه معنوی، به قدری سقوط کند که به تعبیر قرآن از حیوانات هم پست‌تر گردد که فرمود: ﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ﴾^{۱۳} از همین حقیقت روشن می‌شود که ایمان و اخلاق جدا از ذات انسان نیست که از خارج به او تحمیل شود؛ بلکه آنها در فطرت خود او نهفته است؛ زیرا خداوند از روح خود در او دمیده است و آنها در ذات او قرار دارد.

۳. کمین شیطان برای فریب انسان

از داستان آدم باید این درس را آموخت که شیطان همواره در کمین انسان است برای فریب او از راه راست است؛ زیرا قسم یاد کرده که این کار را انجام دهد و در این راه از هیچ انسانی حتی از مثل حضرت آدم که نخستین انسان روی زمین و پیامبر الهی بود، دست برنداشت و با زبان خیرخواهی وارد شد و با دادن وعده‌های خوب، او را فریفت و باعث شد از بهشت بیرون رانده شود. بنابراین انسان باید متوجه باشد همان‌گونه که قرآن فرموده است، شیطان دشمن انسان است و باید از او دوری کند: ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾^{۱۴} إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛^{۱۴} از گام‌های شیطان

پیروی نکنید (و دنبال او نباشید) که او دشمن آشکار شما انسان‌هاست. او شما را به بدی و زشتی فرمان می‌دهد و می‌خواهد درباره خدا چیزهایی بگوید که بدان آگاه نیستید.

۴. ناامید نشدن از بخشش الهی

انسان معصوم نیست و ممکن است خطا کند؛ همان‌گونه که آدم ابوالبشر کاری را که نباید می‌کرد، انجام داد؛ ولی فوراً توبه کرد و توبه‌اش پذیرفته شد. بنابراین انسان وقتی مرتکب گناه یا نافرمانی‌ای شد و فهمید که کارش خطا بوده، باید بداند که خداوند متعال رؤوف و مهربان و توبه‌پذیر است و از او بخواهد که از لغزش‌های او بگذرد و هیچ‌گاه از درگاه الهی ناامید نشود.

۵. توجه دائمی به خداوند

هر انسانی در هر مقام و موقعیت و جایگاهی که باشد، نباید از خدا غافل شود و خود را بی‌نیاز از او بیند؛ بلکه همیشه باید این دعا را تکرار کند که «اللَّهُمَّ لَا تَكُنْ لَنَا إِلَى أَنْفُسِنَا طَرْفَةً عَيْنٍ أَبَدًا»؛ خدایا به اندازه یک چشم بر هم زدن ما را به خودمان وامگذار؛ چون در همان لحظه ممکن است شیطان وسوسه کند و چیزی را برای انسان زیبا جلوه دهد یا در ظاهر به عنوان خیر خواهی و پند و اندرز و... انسان را بفریبد و برای همیشه او را منحرف کند.^{۱۵} در این جا برای تکمیل مباحث به احادیثی چند از آن حضرت توجه فرمایید:

۱. بهترین موجودات جهان

امام صادق علیه السلام فرمود: فرزندان حضرت آدم علیه السلام در خانه‌ای جمع شده و با هم گفت‌وگو می‌کردند. بعضی از آنان گفتند: بهترین مخلوقات خدا پدر ما آدم است. بعضی دیگر گفتند: بهترین آنها فرشتگان مقرب خدا هستند و برخی هم گفتند: حاملان عرش الهی بهترین‌ها هستند. در این هنگام هبة الله وارد شد. یکی از ایشان گفت: کسی آمد که مشکل را حل خواهد کرد. او سلام کرد و نشست و پرسید: گفت‌وگوی شما در مورد چیست؟ گفتند ما در مورد بهترین موجودات خدا صحبت می‌کردیم؛ شما بگویید که او کیست؟

هبة الله گفت: کمی صبر کنید تا برگردم. او نزد پدرش آمد و سؤال برادرانش را بازگفت. حضرت آدم علیه السلام فرمود: ای فرزندم! من در پیشگاه الهی بودم که نگاهم به عرش الهی افتاد و دیدم آن جا چنین نوشته است: «بسم الله الرحمن الرحيم، محمد و آل محمد خیر من برأ الله»؛^{۱۶} به نام خداوند بخشنده مهربان؛ محمد و آل او بهترین مخلوقات خدا هستند.

۲. ولایت علی علیه السلام

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هنگامی که خداوند متعال آدم را خلق کرد، حضرت آدم عطسه کرد. خداوند به او الهام کرد که خدا را ستایش کند (و الحمد لله بگوید) سپس به او فرمود: تو مرا ستایش کردی، پس قسم به عزت و جلالم، اگر دو بنده ام که در آخر الزمان خلق خواهند شد نبودند، تو را خلق نمی کردم. آدم عرض کرد: سوگند می دهم تو را به مقام آنان که نام ایشان چیست؟ خداوند فرمود: ای آدم! به طرف عرش نگاه کن، که در آن جا دو سطر نوشته شده است؛ در سطر اول نوشته است: لا اله إلا الله، محمد نبي الرحمة، و علی مفتاح الجنة؛ معبودی جز خدا نیست و محمد پیامبر رحمت است و علی کلید بهشت است. در سطر دوم نوشته شده است: «آلیت علی نفسی أن أرحم من والاها و أعدب من عادها»؛^{۱۷} بر خودم سوگند خوردم که دوستداران آن دو را رحمت کنم و دشمنانشان را عذاب دهم.

۳. بخشش گناهان

امام صادق علیه السلام فرمود:

زمانی که حضرت آدم دور خانه خدا طواف کرد و در پایان به ملتزم^{۱۸} رسید، جبرئیل به او گفت: ای آدم! در این جا به گناهان خود در پیشگاه پروردگارت اقرار کن. پس حضرت آدم علیه السلام در ملتزم ایستاد و گفت: ای پروردگار من! برای هر کار پاداشی هست و من طوافم را انجام دادم؛ پس پاداش من چیست؟ خداوند بزرگ به او وحی فرمود: ای آدم! من گناه تو را بخشیدم. حضرت آدم عرض کرد: ای پروردگار من! پاداش فرزندان و ذریه من که این کار را انجام دهند چیست؟ خداوند فرمود: ای آدم! هر کس از فرزندان تو به این مکان بیاید

و اقرار به گناهانش کند و توبه نماید، همان طور که توبه کردی و طلب بخشش کردی، من او را می‌بخشم.^{۱۹}

۴. کمتر سخن گفتن

در حدیثی چنین آمده است:

زمانی که فرزندان و نوه‌های حضرت آدم علیه السلام زیاد شدند، در حضور او گفت و گو می‌کردند، در حالی که ساکت بود. آنها به حضرت گفتند: چرا شما صحبت نمی‌کنید؟ حضرت آدم فرمود: ای فرزندانم! خداوند با عظمت، هنگامی که مرا از همسایگی خود (بهشت) بیرون آورد، به من دستور داد که سخن کم بگو تا تو را دوباره به جوار خود (بهشت) بازگردانم.^{۲۰}

۵. زدودن اندوه از دل با ذکر خدا

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرموده است:

حضرت آدم در مورد غم و اندوه و تلقین کردن به خود به خدای متعال شکایت کرد. جبرئیل بر او نازل شد و گفت: ای آدم! ذکر «لا حول و لا قوة الا بالله» را بگو. پس آدم علیه السلام این ذکر را گفت و وسوسه و اندوهش بر طرف گردید.^{۲۱}

پی‌نوشت‌ها

۱. کوه ابوقبیس در کنار خانه خداست که فعلاً بر روی آن کاخی ساخته‌اند.
۲. با استفاده از روایات مربوط به حضرت آدم و حوا و تاریخ انبیاء علیهم‌السلام.
۳. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، مستند ص ۷۶۱.
۴. همان، ص ۷۶۵.
۵. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۱۷۲ و ۱۸۰.
۶. طه، آیه ۱۲۴.
۷. مانند همه کتاب‌های تفسیری سنی و شیعه، کتاب‌های تاریخ انبیاء مانند کتاب: قصص الانبیاء راوندی و جزایری، مع الانبیاء فی القرآن الکریم تألیف عبدالفتاح طیاره، تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم از حجة الاسلام والمسلمین رسولی محلاتی، تاریخ انبیاء تألیف عماد اصفهانی، قصه‌های قرآن تألیف آیه الله مکارم شیرازی، قصه‌های آسمانی از حضرت آدم تا پیامبر خاتم نگارش غلامرضا آبروی و کتاب‌های حدیثی مانند: کافی و بحار الانوار و... و کتاب‌های دائرة المعارف‌ها به‌ویژه دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۸. اعراف، آیه ۱۳.
۹. عقیق عبدالفتاح، مع الانبیاء فی القرآن، ص ۴۳.
۱۰. حجر، آیه ۳۵.
۱۱. مرحوم آیه الله مشکینی.
۱۲. قصص، آیه ۸۳.
۱۳. اعراف، آیه ۱۷۹.
۱۴. بقره، آیه ۱۶۸ و ۱۶۹.
۱۵. این نکات با بهره‌گیری از کتاب «مع الانبیاء فی القرآن» تدوین شده است.
۱۶. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۱۴، به نقل از راوندی، قصص الانبیاء، ص ۳۳ ح ۲۸.
۱۷. همان.
۱۸. نیم دایره بین رکن حجرالاسود و رکن عراق را ملتزم گویند، ولی ظاهراً ملتزم حد فاصل بین حجرالاسود تا در کعبه می‌باشد.
۱۹. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۹۴، ح ۳.
۲۰. قصص الانبیاء، ص ۵۳.
۲۱. امالی صدوق، ص ۴۳۶، ح ۵.